

بسم الله الرحمن الرحيم



پرسش و پاسخ های مهدوی

تهیه گفتگوی دینی



جلد اول

فهرست

- مهدویت یعنی چه ؟
- آیات المهدی در قرآن کدامند؟
- علل مهدویت در اسلام کدامند؟
- آیا حضرت عیسی بن مریم که حیّ و زنده می باشد همانند امام زمان (عج) به پیروان مکتب خود، (مسیحیان) مددسانی می کند در موقع گرفتاری به سراغ آنها می آیند؟
- لطفاً تفاوت این دو بزرگوار را با هم و با حضرت خضر که زنده است را بیان فرمایید؟
- وجود باورهای شبه مهدودیت در ادیان غیر الهی چه توجیهی دارد؟
- بحث منجی در تمام ادیان از جمله ادیان بشری وجود دارد. پس این احتمال وجود دارد که این اندیشه ساخته ذهن بشری باشد که در ادیان دیگر و از جمله اسلام نفوذ کرده باشد، اسلام در این باره چگونه پاسخ می دهد؟
- در تفاسیر اهل سنت چه آیاتی بر امام زمان - عجل الله تعالی فرجه شریف - تفسیر شده است؟
- آیا اهل سنت به امام مهدی - علیه السلام - اعتقاد دارند، چگونه؟ و تفاوت آنها با تشیع در این جهت چیست؟
- مهدویت در ادیان دیگر را توضیح دهید؟

پرسش و پاسخهای مهدوی

پرسش و پاسخ های مهدوی (قسمت اول)

مهدویت یعنی چه؟

پاسخ :

باور به ظهور شخصی که جهان را پر از عدل و داد کرده و ریشه های ظلم و ستم را می چیند اختصاص به اسلام نداشته بلکه، شامل ادیان مختلف الهی و آسمانی می شود و در اسلام، مسیحیت، [۱] یهودیت [۲] و زرتشت [۳] و... به ظهور این شخص نوید داده شده است. بنابراین می توان گفت تمامی ادیان به آمدن موعودی مصلح باور دارند که این موعود در اندیشه زردشت سوشیانت، [۴] در اندیشه مسیحیت حضرت مسیح و غیره... و در اسلام حضرت مهدی (عج) است که قرآن و سنت به آمدن آن بشارت داده اند. اما در مورد اینکه مهدویت یعنی چه؟ باید اذعان داشت لغت مهدویت برگرفته از امام مهدی (ع) است. "خلاصه و حقیقت مهدویت، منتهی شدن سیر جوامع جهان به سوی جامعه واحد و سعادت عمومی، امنیت و رفاه، تعاون و همکاری، همبستگی همگانی حکومت حق و عدل جهانی، غلبه حق بر باطل، غلبه جنودالله بر جنود شیطان نجات مستضعفان و نابودی مستکبران، و خلافت مؤمنان و شایستگان به رهبری یک رجل و ابرمرد الهی است که موعود انبیاء و ادیان و دوازدهمین اوصیاء و خلفای پیغمبر آخرالزمان است." [۵]

اما از آنجا که نام آن منجی در میان مسلمانان مهدی (عج) است، این اندیشه را به اندیشه مهدویت نامیده اند هر چند سایر ادیان به آن اندیشه موعودگرایی و ... می گویند. بهر حال، مهدویت، یک اندیشه و تفکر برگرفته از کتابهای آسمانی است که با فطرت و سنن عالم خلقت موافق است و در میان شیعیان در این اندیشه مباحث مهم ذیل بررسی می شود

۱. موعودگرایی و منجی گرایی در ادیان ابراهیمی و غیرابراهیمی.

۲. مسأله مهدی باوری و موعود گرایی در اهل سنت.

۳. اعتقاد به مهدویت از منظر شیعه که خود، مباحث ذیل را در بر دارد.

الف: مسأله ولادت و نسب و کودکی امام زمان (عج).

ب: ویژگیهای امام زمان (عج).

ج: مسأله انحراف در مهدویت و فرقه های انحراف.

د: مسأله غیبت امام زمان (عج).

ذ: مسأله علائم و زمینه های ظهور حضرت حجت (عج).

ر: مسأله وقایع ظهور و حکومت جهانی آن حضرت.

و...

بنابراین مهدویت، تعریف خاصی ندارد بلکه شامل یک اعتقاد می شود که مباحثی را در بردارد و کسی که می خواهد به این مقوله پردازد بایستی به مطالب ذکر شده با دقت، پردازد.

منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. تاریخ عصر ظهور، و مابعد الظهور (عصر غیبت)، محمد صدر.

۲. اصالت مهدویت، آیت الله صافی، ج اول تا سوم، انتشارات حضرت معصومه.

۳. او خواهد آمد، مهدی پور، نشر برقی.

امام مهدی (عج):

برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید، چرا که همین دعا موجب گشایش برای خود شماست.
شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵، دارالفکر

پی نوشتها:

[۱]. انجیل لوقا / باب ۱۲ / آیات ۳۵-۴۰.

[۲]. کتاب مقدس / سفر مزامیر داود / مزمور ۳۷.

[۳]. اوستا، بخش یناهات / ۴۶.

[۴]. همان.

[۵]. لطف الله صافی گلپایگانی، اصالت مهدویت، ج ۲، بخش ۴، ص ۱۹، انتشارات حضرت معصومه،

قم.

آیات المهدی در قرآن کدامند؟

پاسخ :

در قرآن، آیات متعددی وجود دارد که به حضرت ولی عصر (عج) مربوط می شود. این آیات، به صورت تفسیر، تأویل و تعیین مصداق، بر آن حضرت و حکومت جهانی ایشان، قابل تطبیق است. در کتاب "معجم الاحادیث الامام المهدی (عج)" [۱] بیش از ۲۶۰ آیه در این مورد ذکر شده است. که در ذیل تنها به بررسی برخی از آن آیات می پردازیم:

۱. "هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ" اوست خدایی که رسول خود را با دین حق، به هدایت خلق فرستاد تا بر همه ادیان عالم، او را تسلط و برتری دهد؛ هر چند مشرکان نخواهند.

آیه فوق با تفاوت مختصری در سوره مبارکه فتح تکرار شده، که یقیناً خبر از واقعه مهمی می دهد که اهمیتش موجب این تکرار شده است؛ خبر از جهانی شدن اسلام و عالم گیر شدن این آیین. با توجه به این که در آیه، هیچ گونه قید و شرطی نیست و از هر نظر مطلق است، دلیلی ندارد که معنای آیه را محدود بر زمان پیامبر صلی الله علیه و آله - بدانیم، مفهوم آیه مبارکه، پیروزی همه جانبه اسلام است بر همه ادیان و این که سرانجام، اسلام و اسلامیان، همه جهان را مسخر خواهند نمود. طبق دلالت نصوص و روایات مختلف، غلبه بر همه ادیان زمانی خواهد بود که منجی بشریت، حضرت مهدی (عج) ظهور نماید و به برنامه جهانی شدن اسلام تحقق بخشد.

مطابق قاعده این است که پیروزی و غلبه مورد اشاره قرآن را غلبه همه جانبه بدانیم؛ زیرا با مفهوم آیه که از هر نظر مطلق است نیز سازگارتر می باشد. با توجه به مطالب فوق، می توان آیه را چنین تفسیر و معنا کرد:

روزی فرا می رسد که اسلام، هم از جهت منطق و استدلال و هم از جهت نفوذ ظاهری و حکومت، بر تمام ادیان جهان پیروز خواهد شد و همه را تحت الشعاع خویش قرار خواهد داد.

۲. "وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ"

ما در زیور داوود نوشتیم (و در کتب انبیاء سلف وعده دادیم) که البته بندگان نیکوکار من، ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد.

موضوع مورد بحث در آیه شریفه، فراز آخر آیه شریفه است که خداوند می فرماید:

"أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ"

مرحوم علامه طباطبائی (ره) صاحب تفسیر المیزان می فرماید: مراد از وراثت زمین، انتقال منافع آن و استقرار برکات زمین برای صالحان است و این برکات پایان ناپذیر، شامل برکات مادی و معنوی می شود. [۳] با توجه به مطالب فوق، معنای آیه شریفه این است: که به زودی، زمین از لوث شرک و گناه پاک گشته و افراد و جامعه ای که خدای را بندگی کنند و به وی، شرک نوزند، در آن زندگی می کنند.

برای اداره چنین حکومتی که بر پایه عدل استقرار دارد و خواسته هر انسان عاقل و شریفی است، وجود یک رهبر عالی مقام روحانی لازم است؛ رهبری پاک و منزّه از احساسات حیوانی مانند خشم، شهوت، کبر، غرور و خودخواهی. رهبری که فقط وابسته به خدا باشد و به همه ملت ها و جمعیت ها و نژادها با چشم مهربانی و تساوی و برابری کامل نگاه کند.

عده ای از مفسرین، در مورد تفسیر آیه ذکر شده، قائلند این وراثت که آیه می فرماید، اختصاص به دوره ظهور و حکومت ولی عصر (عج) که رسول خدا - صلی الله علیه و آله - و ائمه اطهار - علیهم السلام - در اخبار متواتره از آن خبر داده و شیعه و سنی، آن خبرها را نقل نموده اند، می باشد.

۳. "وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا" [۴]

بگو: حق آمد و باطل، از میان رفت؛ به درستی که باطل رفتنی است.

در آیه مذکور، به یک اصل کلی و اساسی دیگر و یک سنت جاودان الهی، برخورد می کنیم که مایه دلگرمی همه پیروان حق است و آن این که سرانجام، حق پیروز و باطل، به طور قطع نابود شدنی است. باطل صولت و دولتی ندارد، عمرش کوتاه است و سرانجام به دره نیستی سقوط می کند. دلیل این موضوع، در باطن کلمه باطل، نهفته شده؛ زیرا باطل چیزی است که با قوانین عالم آفرینش هماهنگ نیست و سهمی از واقعیت و حقیقت ندارد و مسلماً چیزی که هماهنگ با قوانین آفرینش نباشد، نمی تواند برای مدتی طولانی باقی بماند اما حق، عین واقعیت است توأم با درستی و راستی و دارای عمق و ریشه و هماهنگ با قوانین خلقت است و چنین چیزی باید باقی بماند. آنان که پیرو حق اند به سلاح ایمان و عمل صالح و منطق و صدق و فداکاری، مسلح و آماده برای جانبازی و ایثار تا سرحد شهادتند و به غیر خدا نیز، به احدی متکی نیستند و همین اوصاف است رمز پیروزی آنها بر باطل. امام باقر - علیه السلام - می فرماید: "اذا قام القائم ذهب دولة الباطل." [۵] هنگامی که امام قائم (عج) قیام کند، دولت باطل برچیده می شود.

در روایات دیگری آمده است: هنگامی که حضرت مهدی (عج) متولد شد. بر بازوی مبارکش، این جمله نقش بسته بود: جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا [۶]

۴. "وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ" [۷]

ما اراده کرده ایم که بر مستضعفین، منت نهاده و آنها را پیشوایان خلق قرار داده و وارث ملک و جاه فرعونیان گردانیم.

آیه فوق، امید دهنده به همه انسان های آزاده عالم است؛ چون وعده خداوند و اراده حضرت حق، به صورت یک قانون کلی و در شکل فعل مضارع و مستمر، بیان شده است تا این که کسی تصور نکند این وعده، اختصاص به مستضعفان زمان های گذشته، از جمله بنی اسرائیل داشته. در تفسیر نمونه، ذیل آیه مورد نظر آمده است: در این آیه، خداوند پرده از روی اراده و مشیت خود، در مورد مستضعفان برداشته و چند امر را در این زمینه بیان می کند که با هم، پیوند و ارتباط نزدیک دارند (که به چهار امر آن اشاره می شود):

۱. این که ما می خواهیم آنها را مشمول نعمت های خود کنیم.

۲. این که ما می خواهیم آنها را پیشوایان خلق قرار دهیم.

۳. این که ما حکومت قوی و پا بر جا به آنها می دهیم.

۴. این که ما می خواهیم آنها را وارثان حکومت جباران قرار دهیم.

با تصور موضوعات ذکر شده می توان نمونه گسترده و بارز اراده حضرت حق تعالی را ظهور حکومت حق و عدالت در تمام کره زمین، به وسیله حضرت مهدی (عج) دانست. در حدیثی از امام علی - علیه السلام - نقل شده است که در تفسیر آیه فوق فرمودند: "هُم آل محمد - صَلَّى الله عليه و آله - يبعث الله مهديهم بعد جهادهم فيعزهم و يُدِلُّ عَدُوَّهُمْ" این گروه، آل محمد - صَلَّى الله عليه و آله - هستند خداوند مهدی آنها را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان وارد می شود، برمی انگیزد و به آنها، عزت می دهد و دشمنانشان را ذلیل و خوار می کند. در میان عده ای از علما و دانشمندان و روایات زیادی مشهور است که ولی عصر (عج) در بدو تولد، آیه شریفه مورد بحث را تلاوت فرموده اند.

از جمله این اخبار، روایتی است که فاضل قندوزی [۹] از علمای اهل سنت و مرحوم شیخ صدوق [۱۰]، نقل نموده اند.

۵. "وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ - إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ - وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ" وعده قطعی ما برای بندگان مرسل ما، از قبل مسلم شده که آنها یاری می شوند و لشکر ما (در تمام صحنه ها) پیروزند.

پیروزی لشکر حق بر باطل و غلبه جندالله و یاری خداوند نسبت به بندگان مرسل و مخلص، از وعده های مسلم او و از سنت های قطعی است که در آیات فوق، به عنوان یک وعده و سنت بیان شده است. نکته ای که قابل تأمل است، همان طور که در آیات قبل هم بیان شد، خداوند وعده داده است پیامبران و صالحین را بر مشرکین غالب سازد و آنها را یاری رساند. معلوم است که این نصرت و غلبه، فقط نصرت در عالم آخرت نیست؛ زیرا خداوند در قرآن می فرماید: "فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا" [۱۲] این نصرت و غلبه در دنیا می باشد.

منظور، نصرت و پیروزی انبیا - علیهم السّلام - بر مشرکین در زمان خود انبیا هم یقیناً نمی باشد؛ زیرا دعوت بسیاری از انبیا - علیهم السّلام - در قومشان اثر نبخشید و بلکه بسیاری از آنها در این راه، به شهادت رسیدند، تحقیقاً این پیروزی و غلبه وعده داده شده، همان پیروزی مقصد و هدف انبیا الهی است که جهت آن، مبعوث شده اند.

اخبار متواتره و اجماع علما نشان می دهد نصرت و غلبه زمانی محقق خواهد شد که ولی عصر (عج) قیام کند و اهداف انبیا را جامه عمل بپوشاند. [۱۳]

پی نوشتها:

[۱]. معجم هیأت علمی مؤسسه معارف اسلامی، معجم احادیث الامام المهدی (عج) مؤسسه معارف

اسلامی، قم، ۱۴۱۱ ق، ج ۵. [۲]. صف / ۹؛ توبه / ۳۳.

[۳]. سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۳۳۰.

[۴]. سوره اسراء، آیه ۸۰.

[۵]. حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۲۱۲.

[۶]. حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۲۱۳.

[۷]. سوره قصص، آیه ۵.

[۸]. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۱۰.

[۹]. قندوزی حنفی، ینایع الموده، ص ۴۴۹.

[۱۰]. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۲۵.

[۱۱]. سوره صافات، آیات ۱۷۱ - ۱۷۳.

[۱۲]. سوره غافر، آیه ۵۱.

[۱۳]. مطالب فوق، برگرفته از کتاب زیر است: عباس کمساری، سیمای نورانی

امام زمان (عج) در قرآن و نهج البلاغه، موسسه فرهنگی سماء، قم، چاپ اول، ۱۳۸۱، صص ۲۲ - ۴۴.

علل مهدویت در اسلام کدامند؟

پاسخ :

این سؤال در واقع یک پرسش از موضوع عام است که پرداختن به آن در جای خود نیاز به بسط کلام و بحث تفصیلی دارد آنچه در این جا در حد یک پاسخ کوتاه و فشرده می توان اشاره کرد این است که در بحث علل و فلسفه مهدویت و شناخت مبانی عقیدتی آن، باید توجه داشت که اسلام (ره) آوردی است و حیانی و حقیقتی است آسمانی و ملکوتی که با ظهور خاتم پیامبران حضرت محمد - صلی الله علیه و آله - به بشریت هدیه شده است تا به عنوان برنامه دائمی، عهده دار رشد و تعالی بشر در همه شئونات کمالی باشد و زمینه ای نجات و سعادت دنیوی و اخروی انسان را فراهم سازد. ظهور اسلام با بعثت رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - در دو ساحت: ظهوری و بطونی، نمودار می باشد. ساحت ظهوری آن "نبوت" است و ساحت بطونی آن "ولایت" اولی با مبعث وجود مقدس ختمی مرتبت در صدر تاریخ اسلام ختم یافته اما دومی یعنی ساحت ولایتی اسلام جاویدانه و باقی است و در وجود امامان معصوم - علیهم السلام - و جانشینان پیامبر - صلی الله علیه و آله - استمرار دارد که مهدی موعود (عج) آخرین آنان و خاتم ولایت می باشد.

ادوار تاریخی که از آدم - علیه السلام - تا خاتم می باید تحقق می یافت هنوز کامل نگردیده تا طومار عالم برچیده شود و تاریخ پایان یابد بلکه "این ساحت با ظهور آن یگانه دوران، عصر شکوفای تاریخ بشر آغاز می گردد. بر خلاف دیدگاه کودکانه امثال فکویاما که با دیدن رونق نسبی تمدن غرب در عصر مدرنیته، نماد لیبرال دموکراسی را به عنوان آخرین نسخه تکامل ایدئولوژیکی و پایان تاریخ پنداشته اند. در تفکر اسلامی تحولات صنعتی و تکنیکی زمینه و تمهیدی است برای درک و توجه به آن عصر موعود و نقطه پایان بلندای تاریخ بشر فقط با تحقق جامعه آرمانی دخیرة الهی، قابل بررسی است و الا تاریخ ناقص خواهد بود.

با توجه به آنچه اشاره شد در این جا لازم است نکاتی در رابطه با اصالت مبانی مهدویت در اسلام بطور اجمال اشاره نمود و این بحث را از چند بعد مورد توجه قرار داد:

۱. بعد عقیدتی کلامی موضوع مهدویت یک عقیده ای کاملاً اسلامی است که ریشه های ثابت آن در کتاب و سنت صحیح و متواتر، قرار دارد. آیاتی [۱] از قرآن مجید و حجم هنگفتی از احادیث و اخبار در این خصوص، چنان این عقیده را تحکیم و استوار نموده است که حتی انکار آن مانند انکار اصل رسالت و نبوت - در بعضی روایات کفر شمرده شده است [۲] به همین جهت اصل مهدویت و ظهور حضرت مهدی در آخرالزمان در میان مسلمانان یک مسئله اتفاقی و بدیهی محسوب می شود. دلایل روایی این بحث که به وسیله صحابه از زبان پیامبر - صلی الله علیه و آله - نقل شده است در منابع معتبر

حدیثی فریقین ثبت و ضبط گردیده است. [۳] و لذا این مسئله مانند دیگر مسائل اتفاقی و بدیهی اسلامی، نیاز به اثبات ندارد.

۲. بعد فطری:

خلاصه و حقیقت مهدویت منتهی شدن مسیر جوامع جهان به سوی جامعه واحد دارای سعادت و امنیت و رفاه عمومی و تعاون و همکاری و همبستگی همگانی و عدل جهانی و نجات مستضعفین و نابودی مستکبرین و خلافت شایستگان مؤمنین به رهبری یک رادمرد الهی است که موعود انبیا و ادیان و دوازدهمین وحی و خلیفه پیغمبر آخرالزمان است. [۴]

روشن است که رسیدن به چنین مقصدی و دریافتن این محتوا و این هدف و این پایان و عاقبت، مطلوب هر فطرت و خواسته وجدان هر انسان حق طلب است.

پایان یافتن سلطه ظالمان و استقرار نظام مبتنی بر امنیت فراگیر و عدل جهانی، آرزوی فطری هر فرد است به راستی چه کسی است که از نابودی طاغوتیان و کاخ نشینان سیاه و سفید که تمام جهان صرفاً برای خود می خواهند و از خونابه دل صدها میلیون انسان بی پناه، شراب مستی می نوشند، شاد نشوند و از برچیده شدن طومار جباران خونخوار، احساس آرامش ننمایند؟؟ البته بنیان حرکت عالم نیز در راستای این خواست فطری سامان داده شده است و بر اساس سنت الهی جامعه بشری در روند تدریجی رو بتکامل خویش، خود را برای استقبال از یک تصفیۀ وسیع و بنیادین، آماده می کنند تا چنین تحولی بزرگ و شگرفی را در خود پذیرا باشد. در دور نمای چنین فرایندی مظاهر ظلم و تزویر مجالی برای ماندن نخواهند یافت زیرا با آمدن حق جا برای باطل نمی ماند. [۵]

۳. بعد عقلانی

مهم ترین معیار صحت یک تفکر و عقیده ای، عقلانیت و خردپذیری آن است، اعتقاد به مهدویت در اسلام از این نظر نیز بر مبنای معقول و منطقی اسوار است این بحث ضمن دارا بودن دلایل مستحکم نقلی و وحیانی که مقتضی اثبات مسئله می باشد، هیچ منبع عقلی و تبعات تعارض آمیز عقلانی را به همراه ندارد. البته دلایل عقلی این بحث در قالب قاعده لطف، لزوم واسطه فیض و... در جای خود تفصیلاً قابل طرح است که در اینجا مجال ذکر آن نمی باشد.

با چنین نگاهی هر اندیشمند خردورزی نه تنها نسبت به امکان عقلانی اصل موضوع، تردید روا نمی داند بلکه از جهت وقوعی نیز واقعیت داشتن وجود حضرت مهدی (عج) و غیبت او و اقعیت یافتن ظهور آن حضرت و استقرار نظام عدل جهانی آن حضرت را در فراسوی حرکت تمدنی جامعه بشری نیز تصدیق می نمایند. اساساً نفس همگانی بودن اعتقاد به منجی در میان پیروان ادیان و ملل و نحل و اتفاق نظر مسلمانان در این خصوص، خود دلیل روشن بر جایگاه و اعتبار عقلانی این اصل اسلامی می باشد که از هر گونه تردید و انکاری مصون مانده است گرچه خصوصیات و جزئیات آن محل اختلاف

است.

مطالعهٔ صدها کتاب و رساله ای که از یازده قرن پیش تاکنون در این موضوع نوشته شده است. ابتدای این عقیده را بر مبنای صحیح و معقول و مصادری اصیل اسلامی، روشن می سازد. وجود این منابع معتبر و مبانی قطعی چنان این عقیده را از هرگونه تشکیک و انکار، تضمین و مصونیت بخشیده است که حتی در مقام رد دعوی کسانی که مدعی مهدویت بوده اند، کسی نتوانسته است اصل عقیده به مهدویت را مورد تردید قرار دهد بلکه مدعیان دروغین و متمهیدیان را به دلیل واجد نبودن علائم و اوصافی که برای مهدی (عج) ذکر شده است رد می کردند. زیرا انکار اصل مهدویت را مساوی با انکار مبانی و مآخذ محکم اصول و فروع اسلامی می دیدند [۶]

۴. بعد توحیدی

هستهٔ مرکز و محوری اصلی تمامی مسائل اعتقادی و تربیتی و برنامه های سیاسی - اجتماعی، ایمان به وحدانیت و یگانگی و بندگی خداوند متعال است. قرآن کریم نیز هدف نهانی حکومت اسلامی را تحقق جامعه توحیدی که در آن اثری از شرک و نفاق وجود نداشته باشد، اعلام نموده است. [۷] قبول و التزام به نظامات و قوانین که منبع و مبنای شرعی و اعتبار الهی ندارد - خواه در امور عبادی باشد و یا در امور سیاسی و مالی و.. پرستش طاغوت و خصوصاً و یا مقام و هیئت و مرجعی است که آن قوانین را وضع کرده اند بر همین اساس نظامات غیر الهی تحت عنوان هر رژیمی باشد مشروعیت حکومت ندارند چه استبدادی باشد و چه در قالب نظام موروثنی سلطنتی و یا در شکل دموکراسی مردمی و یا اشکال دیگر. تفکر مهدویت تجلیگاه نظام توحیدی اسلام است که در آن اهداف توحیدی حکومت نظیر: وحدت نظام سیاسی، حکومتی، وحدت قانون، وحدت دین و عقیده و مرام، وحدت و همبستگی جغرافیایی و اقلیمی و... همه و همه تبلور تام دارد مهم ترین هدف در دعوت و مبارزات انبیاء عموماً و پیام خاص قرآن کریم خصوصاً تحقق جامعه توحیدی خدا محور و پیاده کردن ارزش های الهی در همه ابعاد آن می باشد. بدون شک این هدف دیرینه و الهی تنها با دست با کفایت حضرت بقیه الله - ارواح العالمین له الفدا - قابل انجام است او که نوید امن و امان را در پهنه گیتی و جغرافیای جهانی به ارمغان می آورد. تنها در پرتو دولت کریمه او است که توحید و عدالت فراگیر می گردد. و اگر جهان تشنه عدالت و امنیت است عدالت و امنیت نیز بی تابانه قدوم آن پرچمدار بزرگ توحید را به انتظار نشسته است.

نتیجه اینکه: بعد عقلانی و ریشه فطری باور داشت مهدویت از یکسو. ابتدای این مسئله بر مبانی وحیانی آیات قرآن و سنت قطعی از سوی دیگر. ضرورت پاسخگویی به ایده آلهای فطری و تاریخی در رسیدن به مرحله مدینه فاضله و تشکیل جامعه عدل توحیدی از سوی سوم موجب شده است که اعتقاد به مهدویت ضمن اینکه از محکومات اصول اسلامی به شمار می آید اساسی ترین دغدغه دینی و

رسالت اسلامی نیز محسوب شود که بارور شدن آن پیامدهای فوق العاده مبارکی را برای کل بشریت خواهند داشت.

جهت مطالعه بیشتر:

۱. عصر زندگی، چگونگی آینده انسان و اسلام پژوهشی در انقلاب جهانی مهدی (عج)، نوشته محمد حکیمی، چاپ اول ۱۳۷۱ و چاپ پنجم ۱۳۸۱ بوستان کتاب.

۲. فصلنامه انتظار، شماره اول مقاله جناب پورسید آقایی، ص ۵۲ - ۶۴، تحت عنوان "مبانی اعتقادی مهدویت".

پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - لو لم یبق من الدنیا الا یوم لطول الله ذلک الیوم حتی ینزل المهدی اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند خداوند آن روز را آن قدر طولانی می کند تا مهدی موعود بیاید و بر دنیا اعمال ولایت نماید. صحیح ترمذی، باب ۲، حدیث ۳، ص ۸۹

پی نوشتها:

[۱]. از جمله آیاتی که موضوع مهدویت پرداخته و در منابع روایی و تفسیر به حضرت مهدی (عج) تفسیر شده است می توان به آیات ۵۵ نور ۳۲ و ۳۳ توبه، ۲۸ فتح، ۸ - ۹ صف، ۵ قصص، ۷ انفال، ۵۶ مائده و... اشاره نمود.

[۲]. امامت و مهدویت، آیت الله صافی، ج ۲، مقاله عقیده نجات بخش، ص ۷، چاپ سوم ۱۳۷۸، انتشارات حضرت معصومه (س) [۳]. برای اطلاع بیشتر از منابع حدیثی اهل سنت و شیعه در این خصوص به دو کتاب ذیل مراجعه شود: کتاب در انتظار ققنوس. نوشته سید هاشم ثامر العمیدی، ترجمه مهدی علی زاده، ص ۱۶ - ۳۰ و کتاب خورشید مغرب محمد رضا حکیمی، ص ۵۹ - ۱۱۰.

[۴]. امامت و مهدویت، ج ۲، (مقاله اصالت مهدویت)، ص ۱۹.

[۵]. قل جاء الحق و زهق الباطل آن الباطل کان زهوقاً، اسراء، ۸۱

[۶]. امامت و مهدویت، ج ۲، (مقاله اصالت مهدویت)، ص ۱۷ - ۱۸، با اندک تصرف.

[۷]. سورة نور، آیه ۵۵، "... یعدوننی لا یشرکون بى شیئاً".

آیا حضرت عیسی بن مریم که حی و زنده می باشد همانند امام زمان (عج) به پیروان مکتب خود، (مسیحیان) مدد رسانی می کند در موقع گرفتاری به سراغ آنها می آیند؟ لطفاً تفاوت این دو بزرگوار را با هم و با حضرت خضر که زنده است را بیان فرمایید؟

پاسخ :

نخست: ذکر دو نکته به عنوان مقدمه لازم و ضروری است:

۱. حضرت مسیح - علیه السلام - پیامبر الهی بوده است و در دوران رسالتش به پیروانش کمک و یاری می کرد و بیماران را شفا می داد. [۱] بعد از عروج او به آسمان، [۲] مسیحیان درباره عیسی بن مریم - علیه السلام -، عقیده دیگری پیدا کردند که قرآن کریم در آیاتی عقیده آنان را مطرح کرده و به نقد آنها پرداخته است. [۳]

۲. تمام شرایع آسمانی لباسهای مختلف بر اندام دین واحد (توحید) بوده و خدا جز یک دین، دین دیگری را تشریع نکرده است. البته مقصود این نیست که تمام ادیان آسمانی در هر زمانی شایستگی پیروی دارند، بلکه با اعتراف به وحدت دین، یادآور می شویم که شرایع کاملاً مختلف بودند و شرایع سماوی متناسب با استعدادها و شایستگی های امتهای در ادوار مختلف تاریخ تنظیم و تشریع شده اند و در حقیقت هر یک از این شرایع کلاسهایی بوده است که می بایست بشر، برای تکامل خود در آنها آموزش ببیند و آخرین کلاس برای آخرین امت همان شریعتی است که به وسیله پیامبر گرامی عرضه شده است.

حال باید گفت: پیروان حضرت مسیح که قایل به رسالت پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - نیستند و حضرت مسیح را آخرین پیامبر خدا می دانند، در حالی که مسیح پیامبر بعد از خویش را معرفی کرده و نام او را بیان نموده است. قرآن می فرماید: «به یادآور زمانی را که عیسی فرزند مریم به بنی اسرائیل گفت: من فرستاده خدا به سوی شما هستم، تصدیق کننده توراتی هستم که پیش روی من قرار دارد و بشارت دهنده ام به پیامبری که پس از من می آید و نام او احمد - صلی الله علیه و آله - است». [۴] هر گاه یک چنین تنصیص بدون شک و تردید بر فردی منطبق گردد، حجت بر همگان تمام است و باید او را به عنوان پیامبر زمان خود بپذیرد که متأسفانه مسیحیان نپذیرفته است.

با توجه به نکات که بیان شد که برخی از مسیحیان قابل به الوهیت مسیح هستند و برخی هم مسیح را آخرین پیامبر خدا می دانند و قایل به رسالت پیامبر خاتم - صلی الله علیه و آله - نیستند، آیا حضرت مسیح، مسیحیان را در موقع گرفتاری کمک و یاری خواهد کرد یا خیر؟ هر چند به دلیل روشن در این باره دست نیافته ایم، اما از باب توسل به انبیاء الهی برای رفع گرفتاری ها و آمرزش گناهان و از باب این که خداوند فیاض مطلق و حضرت مسیح واسطه فیض بوده است، می گوییم که مسیحیان اگر جاهل

قاصر باشند که روشن شدن حقایق برایش ممکن نیست، چنین اشخاصی را حضرت مسیح یاری خواهد کرد. اما اگر جاهل مقصر باشند که روشن شدن حقایق برایش از طریقی ممکن است ولی برای دست یافتن به آن کوتاهی می کند، حضرت آنان را یاری نخواهد کرد.

البته این نکته نیز قابل ذکر است که فعلاً حجت خدا در زمین امام زمان (عج) است که در میان مردم به سر می برد و مشکلات و گرفتاری را برطرف می سازد و مردم توانایی مشاهده آن حضرت را ندارند؛ او در توقیعی که برای شیخ مفید (ره) صادر فرموده به این جهت اشاره کرده است: «ما اگر چه جایگزین شده ایم در مکانی که دور از مساکن ظالمین باشیم، بر حسب آن چه خداوند برای ما و شیعیان ما، صلاح در این دیده تا مادامی که دولت دنیا، برای فاسقین باشد. لیکن مع الوصف علم ما به احوال شما احاطه دارد و چیزی از اخبار شما از ما مخفی نیست.... ما اهماً نمی کنیم در مراعات شما و نه فراموش می کنیم یاد شما را و اگر نه این بود، بلاها و شداید بر شما نازل می شد و دشمنان شما را درهم می شکستند و نابود می کردند، پس پرهیزید خدای جل جلاله را و ما را یاری و کمک کنید بر دستگیری خودتان».[۵]

اکنون که روشن شد حضرت مسیح حیّ و زنده است پیروان خویش را اگر جاهل و قاصر باشد یاری می کند، به جواب بخش دوم پرسش می پردازیم و می گوئیم که تفاوت عیسی بن مریم - علیه السّلام - با خضر نبی - علیه السّلام - و امام زمان (عج) در این است که حضرت مسیح رسول و نبی می باشد اما حضرت خضر فقط نبی است نه رسول. امام زمان نه نبی است و نه رسول بلکه امام معصوم است. فرق بین نبی و رسول این است که نبی از «نبا» به معنی خبر مشتق شده و به کسی گفته می شود که از جهان بالا خواه از طریق رؤیا و یا از طریق دیگر وحی دریافت کند. البته نبی هر انسانی گزارشگر و خبرگیری نیست بلکه گزارشگر اخبار مهم سماوی است که از جانب خدا به او ابلاغ می گردد و خضر نبی نیز چنین است.

رسول از رسالت مشتق گردیده است (رسول که ارتباط با وحی تشریعی دارد) انسان آگاه و مطلع از اخبار سماوی است که مأمور است آن چه را دریافت کرده ابلاغ نماید و جامه عمل بپوشاند. مانند حضرت عیسی - علیه السّلام - که هم اخبار مهم سماوی را دریافت می کرده و هم مأمور به تبلیغ آن بوده است.[۶]

بنابراین نبی کسی است که اخبار مهم سماوی را دریافت می کند و مأموری به تبلیغ آن نیست. رسول با این که اخبار غیب را دریافت می کند مأمور به تبلیغ آن نیز می باشد. امام زمان چنان که بیان شد نه نبی است و نه رسول بلکه امام معصوم و از جانشینان رسول خاتم - صلی الله علیه و آله - است. تفاوت دیگر این است که حضرت عیسی بن مریم - علیه السّلام - را خداوند در آسمان برده است که در هنگام ظهور امام زمان (عج) به زمین فرود می آید و پشت سر حضرت نماز می خواند. حضرت خضر

پرسش و پاسخ مهدوی کتابخانه گفتگوی دینی

نبی - علیه السلام - و امام زمان (عج) فعلاً در زمین و در میان مردم به سر می‌برند و در موقع گرفتاری یاری می‌کنند ولی از دیدگان مردم غایب هستند.

منابع برای مطالعه بیشتر:

۱. ادیان بزرگ جهان، تألیف حسین توفیقی، چ پنجم، ۱۳۸۱، ص ۱۱۴ تا آخر کتاب.
۲. منشور جاوید، تألیف آیت الله سبحانی، ج ۱۲، از ص ۳۵۳ به بعد.

پی نوشتها:

- [۱]. حسین توفیقی، ادیان بزرگ جهان، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) و مؤسسه فرهنگی طه و مرکز جهانی علوم اسلامی، چ پنجم، تابستان ۸۱، ص ۱۱۴.
- [۲]. بل رفعه الله إلیه و کان الله عزیزاً حکیماء؛ نساء ۱۵۸.
- [۳]. آل عمران، ۵۹، ۷۹ تا ۸۰ و ۶۴؛ نساء، ۱۷۱؛ مائده، ۱۷، ۷۲ و ۷۳ و ۷۵؛ توبه: ۳۰ - ۳۱؛ مریم، ۳۴ - ۳۶، فرقان، ۲.
- [۴]. صف، ۶.
- [۵]. الهيئة العلمیه فی مؤسسه المعارف الاسلامیه، معجم احادیث الامام المهدی، نشر مؤسسه المعارف الاسلامیه، المطبعة بهمن، الطبعة الاولى، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۴۶۰، چ ۱۴۲۰.
- [۶]. آیت الله سبحانی، منشور جاوید، (نشر مؤسسه امام صادق - علیه السلام -، پاییز ۱۳۷۰، چ نمونه، قم)، ج ۱۰، ص ۲۶۶ - ۲۶۷.

وجود باورهای شبه مهدودیت در ادیان غیر الهی چه توجیهی دارد؟

پاسخ :

فکر ظهور مصلح بزرگی که انسان را از دردها و محنت‌ها رهایی بخشد و به انسانیت مدد رساند در تمام نقاط عالم جریان دارد و بشریت در امتداد تاریخ با دیدن ناملایمات و فشارهای گوناگون به یک منجی که جریان تاریخ را عوض کند و دولت حق را پایه ریزی نماید باور دارد و معتقد است که با ظهور آن تمام تبعیض‌های طبیعی که بر بنیان پرهیزگاری، استوار نگشته است ریزش خواهد کرد [۱] و فکر ظهور یک رهایی بخشی که عدل و آسایش با ظهور آن در آخر الزمان به منصفه ظهور خواهد رسید و عدل و برابری در دولت کریمه آن منجی شیوع خواهد داشت از جمله گزینه‌های ایمانی ادیان الهی و شعبه‌های غیر الهی است همچنان که یهود بدان ایمان آورده و مسیحیت به برگشت عیسی معتقد است زردشتیان به آمدن بهرام و هندوان به رسیدن ویشنو و بودائیان به ظهور بودا و حتی مغول برای

ظهور دیگر باره چنگیز به انتظارند[۲]. هم چنان که این اعتقاد در مصریان قدیم و کتابهای چینیان نیز یافت می شود.[۳]

بهر حال باور به موعود و منجی از خصایص اندیشه بشری است اما در این میان ادیان غیر الهی بلحاظ جهان بینی خود تصویری گوناگون از منجی دارند که در نتیجه مردمان هم بلحاظ ایدئولوژی خاص نگاه متفاوت به منجی دارند.[۴] بهر حال برای مصداقی کردن بحث خویش، به آرمان های چند دین غیر الهی که باورهای شبه مهدویت در آنها جاری است اشاره ای کوتاه می کنیم و تفصیل بیشتر را به مجال وسیع تری وا می گذاریم.

آئین هندو

اندیشه موعود در این آئین با شخصیت کلکی شکل می گیرد[۵] بنابر فکر هندویی جهان از چهار دوره رو به انحطاط تشکیل می شود در چهارمین دوره یعنی عصر کلکی سراسر جهان را ظلم و تاریکی فرا می گیرد ناشایستگان بر جان و مال مردم مسلط می شوند و دروغ، دزدی، رشوه، سایه سیاه خویش را بر دنیا می گسترانند. در پایان چنین دورانی آخرین تنزل (اوتاره) ویشنو که کلکی نام دارد ظهور می کند تا شرارت و ظلم را ریشه کن کند و عدالت و فضیلت را برقرار سازد.[۶]

آئین بودا

اندیشه شبه مهدویت در این آئین هم با مفهوم مَیْتَرِیَه تبیین می شود این واژه در سانسکریت به معنای مهربان است و در الهیات بودایی او را بودای پنجم و آخرین بودا از بودائیان زمینی می دانند که هنوز نیامده اما خواهد آمد تا همگان را نجات دهد و بودایی خویش را به کمال رساند.[۷]

آئین کنفوسیوس

کنفوسیوس شعار بازگشت به عصر فرزانه شاهان باستان را سرلوحه اندیشه های اصلاحی خویش قرار داده بود[۸] و در اندیشه طرفداران این آئین گره خوردن به فرزاندگی شاهان وجود دارد. آئین دائو:

در بستر فرهنگی و دینی مردمان چین آئین دائو در کنار آئین کنفوسیوس و دیگر مکاتب فکری نقش آفریده است منتهی در آئین دائو رگه های روشن تری از منجی باوری و انتظار موعود را می توان بر شناخت. بر پایه متن «زندگی قدیس آخرالزمان و پروردگار طریقت» در یک سال جن - چن یعنی بیست و نهمین سال از دوره شصت ساله که احتمالاً ۳۹۲ باشد لی هونگ ظهور خواهد کرد تا جهانی نو پرپا کند.[۹]

ژاپن:

ژاپن نیز همچون چین فرهنگ و دیانتی چند گانه دارد و لذا دین شینتو و آئین بودا در هم آمیخته و درون مایه آرمان ها بیم ها و امیدهای آن ملت را ساخته اند به طوری که شماری از مذاهب منجی

باوری در آنجا سر بر آورده اند. که مهم ترین آنها عبارتند از: کورزو میکو که شخصی به نام کاواته بونجیرو (۱۸۸۳ - ۱۸۱۴م) پایه گذار آن بود و نهضت تریکیو که پرچم دار آن ناکایاما میکی (۱۸۷۸ - ۱۷۹۸م) است. [۱۰]

یونان باستان:

در فرهنگ و اندیشه یونان باستان نیز سخن از صلح و آرامش در پس جنگ ها و نوید حکومت جهانی مردی بوده است که خواهد آمد تا بر همه بشریت فرمان براند در ۱۶۵ تا ۱۶۸ پ.م، پیش گویان پیامبر سان یونانی از «شاهزاده ای مقدس» سخن می گوید که بر همه جهان تا ابد حکم خواهد راند و در جای دیگر پادشاهی را نوید می دهد که در مشرق قیام می کند و صلح را برای همه بشریت به ارمغان می آورد. [۱۱]

ادیان سرخپوستی:

برخی معتقدند که شاید به سبب آشنایی نسبتاً کوتاه مدت جهان با دنیای سرخپوستان است که آنچه از اندیشه این مردم در باب آینده بشر و انتظارشان می دانیم از برخی داده های ناچیز درباره همین چند قرن اخیر تجاوز نمی کند. در این دوران موعود باوری سرخ پوستان آفریقای مرکزی و جنوبی در پیوندی مستقیم با هجوم نظامی و فرهنگی غرب و مسیحی به آن سرزمین است سیزده سال پس از غلبه اسپانیا نهضت بومی تاکوی انکوی با هدف اخراج سفید پوستان و بازگرداندن نظام گذشته رخ داد. گرچه این نهضت ده سال بیشتر دوام نیاورد اما چراغ امید به بازگشت نظام سابق را در دل آن مردم زنده داشت. [۱۲]

ادیان آفریقایی:

در مورد ادیان آفریقایی برخی از محققان بر این باورند که اطلاع ما از موعود باوری ادیان آفریقایی محدود به «مسیح گرایی» رواج یافته در همین یکی دو قرن اخیر است نهضت های جدید با چهره هایی که «مسیح جدید» تلقی می شوند شکل گرفتند و بیشتر این نهضت ها نوید عصر آزادی و بهره مندی از فرصت و مجال زندگی و خرد بسندگی را می دهند. [۱۳]

با این بیان برای باورهای شبه مهدویت توجیهایی را این چنین می توان فهرست کرد:

۱. تاثیر گذاری برخی از ادیان الهی در شماری از ادیان غیر الهی «همان گونه که در بررسی ادیان سرخپوستی و آفریقایی ذکر آن گذشت»
۲. وجود ظلم و ستم هایی که بشریت را رنج می داد منجر به اتکا به وجود رهایی بخش شده است.
۳. تحقق ایده آرمانشهری همچنان که در آئین های دائو و کنفوسیوس و ژاپن دیدیم.
۴. برقراری عدالت و فضیلت و بستن طومار ناشایستگی.
۵. اندیشه قوم مداری برتر همانگونه که ادیان آفریقایی بر این باورند.

پرسش و پاسخ مهدوی کتابخانه گفتگوی دینی

۶. زنده نگه داشتن امید به زندگی و بازگشت به روزهای شکوه مند گذشته همان گونه که در ادیان سرخپوستی شاهد بودیم.

۷. بهره مندی از فرصت و مجال زندگی و خود بسندگی آنگونه که در ادیان آفریقایی مطرح است.

اشاره آخر:

همان گونه که در ابتداء یادآورد شدیم ادیان غیر الهی بلحاظ نگرش های مختلف به وجود مصلح برخی آن را قوم - مدار - برخی هم اجتماعی و جهانشمول ترسیم می کنند لیکن نکته ای که بایست بدان توجه کرد این است که اولاً آن مصلح بزرگ که جهان در انتظار اوست بی شک مهدی محمد - صلی الله علیه و آله - است. [۱۴] و ثانیاً از دیدگاه مکتب اسلام زمین از وجود حجت خدا خالی نیست گرچه در پس ابر غیبت باشد. [۱۵]

برای مطالعه بیشتر

۱. سایت موعود
 ۲. شبکه امام مهدی
 ۳. مجله موعود ش ۴۱-۴۷.
- خدای متعال می فرماید:
- «و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.» [۱۶]

پی نوشتها:

- [۱]. ر.ک: حیات الامام المهدی، باقر شریف الفرشی، ص ۱۹۸، چ اول، ۱۴۱۷، ناشر دارالمؤلف.
- [۲]. ر.ک: المهدی المنتظر فی فکر الاسلامی، اسله المعارف الاسلامیه، مؤلف مرکز الرساله، ص ۸، چ مهر قم،؟؟ اول.
- [۳]. همان.
- [۴]. ر.ک هفت آسمان، فصلنامه تخصصی ادیان و مذاهب، سال سوم و چهارم، ش دوازدهم و سیزدهم، بهار ۸۱-۸۰، مقاله آقای علی موحدیان عطار، ص ۱۰۷
- [۵]. همان ص ۱۱۶.
- [۶]. همان مصدر، ص ۱۱۷-۱۱۸.
- [۷]. همان ص ۱۲۳.
- [۸]. همان ص ۱۱۶.
- [۹]. هفت آسمان ص ۱۲۴ - ۱۲۵.
- [۱۰]. همان ص ۱۲۶.
- [۱۱]. مصدر سابق ص ۱۲۶.

[۱۲]. همان ص ۱۲۷.

[۱۳]. همان، ص ۱۲۸.

[۱۴]. ر.ک: حیات الامام المهدی، ص ۱۹۸.

[۱۵]. ر.ک: بحار الانوار علامه مجلسی، ج ۳۰، ص ۸۰، روایتی از امام علی ؟؟؟ می کنند که فرموده

زمین از قائمی که حجت الهی است خالی نیست»

[۱۶]. سوره مبارکه انبیاء ۱۰۵.

بحث منجی در تمام ادیان از جمله ادیان بشری وجود دارد. پس این احتمال وجود دارد که این اندیشه ساخته ذهن بشری باشد که در ادیان دیگر و از جمله اسلام نفوذ کرده باشد، اسلام در این باره چگونه پاسخ می دهد؟

پاسخ:

اشاره: این یک واقعیت است که عقیده به مصلح کل، یک فکر و عقیده جهانی بوده و اختصاص به یک ملت و یا مذهب و دین ندارد. بلکه تمام ادیان آسمانی در این عقیده مشترک اند. و پیروان همه ادیان معتقدند که در یک عصر تاریک و بحرانی، که جهان را فساد، بی دینی و بیدادگری فرا گرفته، نجات دهنده ای بزرگ طلوع می کند و به واسطه نیروی قوی فوق العاده غیبی، اوضاع آشفته جهان را اصلاح می کند. و خداپرستی را بر بی دینی غلبه می دهد. و همه در انتظار چنین موعود نیرومند غیبی به سر می برند. ولی در مصداق آن نظرهای گوناگونی وجود داشته و هر ملتی آن را به لقبی مخصوص می شناسند.

اما این که این اندیشه ساخته ذهن بشری باشد، یا این که از ادیان و ملل گذشته در اسلام نفوذ کرده باشد، بدور از واقعیت است. بلکه این یک وعده بر حق خداوند است که در نهاد بشری نهفته شده است. بدلیل اینکه:

۱. اگر اندیشه بشری و دینی بر اساس آن استوار گردیده باشد، هیچ گاه بقاء و ثبات نخواهد داشت. زیرا در اثر تحولات بشری و نقض و ابرام های اندیشه دیگران بر آن، و زمینه رشد فکری بشر در عالم، خاصیت اولیه خود را از دست داده، کم کم رو به فراموشی سپرده می شود که نمونه بارز آن، دین فرعون است که تاریخ و تجربه نشان داده که هیچ گونه اثر از آن در دنیای فعلی وجود ندارد تا تحت عنوان دین فرعون مطرح باشد.

۲. ایمان به ظهور مصلح دینی در عالم و برپا داشتن حکومت عدل الهی در تمام نقاط زمین، از اهداف همه انبیاء گذشته بوده و نسل به نسل آن را تقویت نموده اند.[۱]

و هم چنین، از اندیشه‌های ادیان معروف در جهان و ملل گذشته، بشارت به ظهور خاتم - صلی الله علیه و آله - و مصلح و منجی بشری در آخر الزمان که تحقق سعادت بشری در آن است داده شده است. [۲]

و در طول تاریخ بشری علاوه بر بشارت‌های انبیاء به مصلح کل و منجی بشری، آرزوی همه انسانها بوده است. و حتی آنهایی که پابندی به دین نداشته و گفتار انبیا را تکذیب می کردند، در لابلای گفتار و اندیشه‌های آنان نیز، وجود داشته و انتظار یک چنین مصلحی را داشته‌اند. [۳]

۳. ایمان به مصلح موعود، خواسته فطری همه انسانهاست. و همه انسانها فطراً قایل به کمال بوده و در جستجوی آن می‌باشند. و همه انسانها، فطراً عدالتخواه بوده و از ظلم و جور بیزارند و حاجتی بشری که خواهان عدالت و کمال است، در نهاد هر انسان پوشیده بوده و در زمانهای گوناگون ابراز گردیده است. چنان که در این باره محققین دینی اینگونه می‌فرمایند:

الف. آیت الله سید محمد باقر صدر: «کمال و دوری از نقض و تنفر از زشتی‌ها خواسته فطری همه انسانها بوده است. و بر اساس فطرت انسانی و وعده بر حق خداوند، کمال‌نهایی و برچیده شدن ظلم کامل به وجود مبارک امام مهدی (عج) تحقق خواهد یافت. لذا همه انسانها اعم از موحد و غیرموحد، بر اساس آن نهاد خدادادی به دنبال تحقق یک چنین اندیشه بود، و در طول تاریخ بشری انتظار آن را کشیده‌اند. و این خواسته، خواسته نوع انسان بوده است، اما در اسلام، جهت‌دار می‌گردد.» [۴]

ب. علامه طباطبایی (ره): ... از روزی که بشر در زمین سکنی گزیده، پیوسته در آرزوی یک زندگی اجتماعی مقرون به سعادت، و آن هم، به تمام معنی می‌باشد. و به امید رسیدن چنین روزی قدم بر می‌دارد. و این خواسته همان خواستن آدم تشنه است که فطراً قایل به آب بوده و اگر آب نبود تشنگی آن برطرف نمی‌شد. و یا اگر فطراً تمایل به بقای نسل بشر نبود، تمایل جنسی تصور نمی‌شد. از این رو، به حکم ضرورت و فطرت، آینده جهان روزی را دربر خواهد داشت که در آن روز جامعه بشری پر از عدل و داد شده و با صلح و صفا و همزیستی، غرق در فضیلت و کمال شوند و استقرار چنین وضعی به دست خود انسان خواهد بود. و رهبری چنین جامعه‌ای منجی جهان بشری و به لسان روایات مهدی (عج) خواهد بود. که موعود و منتظر همه ادیان و مذاهب گوناگون در جهان بوده است. و کسی که نجات دهنده بشریت است، در میان همه بشریت سخن به میان آمده و عموماً ظهور او را نوید داده‌اند. گر چند در تطبیق آن اختلاف دارند. ولی حدیث متفق علیه در میان امت اسلامی، قول رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - است که فرموده: «المهدی من ولدی». [۵]

ج. آیت الله صافی گلپایگانی

حقیقت مهدویت، منتهی شدن سیری جوامع جهانی به سوی جامعه واحد، حکومت حق و عدل جهانی، رهبری ابرمرد الهی که موعود همه انبیاء و ادیان بوده و دوازدهمین وصی پیغمبر آخر الزمان تحقق می‌یابد، مطلوب هر فطرت و خواسته هر وجدان انسانی است. اجماع امم و ملل بر این که پایان جهان،

سعادت عمومی است و در دنبال آن تاریکیها، روشنایی است، این یک اصل فطری است که با سنت جهان و حرکت عالم و با بنیاد جهان که با حق استوار است موافق می‌باشد. این اندیشه اختصاصی، مخصوص انسان است، کافر و مؤمن نمی‌خواهد.[۶]

بنابراین، اگر اندیشه مصلح کل و موعود امم و ملل، بر اساس حکمت الهی و وعده بر حق و بر مبنای فطرت استوار نبود، هیچ گاه اندیشه بشری در تمام جوامع و ملل، اینگونه هماهنگ و بر مدار واحد نخواهد بود.

۴. ایمان به مصلح جهانی در تفکر غیر دینی؛ چنان که در بیان بزرگان آمده است، اندیشه اصلاح جهانی مربوط به نوع انسان بوده و مختص مؤمنین و متدینان نیست. «برتراند راسل» که یک انسان غیردینی است می‌گوید: «عالم در انتظار مصلح است که همه را به وحدت دعوت نموده و در تحت یک پرچم و یک شعار فراخواند.»[۷]

و هم چنین، انیشتاین نیز می‌گوید: «بعید نیست، روزی بر جوامع عالم بیاید که همه با صفا و سلام و محبت زندگی کنند.»[۸]

۵. بشارت‌های ادیان گذشته؛ دلیل دیگری در این جهت که اندیشه مصلح کل و یا مهدویت خلاق ذهن بشری نمی‌باشد، بشارت‌های ادیان گذشته است. بسیاری از کتب ادیان، بشارتهایی از پیغمبر خاتم - صلی الله علیه و آله - داده است و وعده داده‌اند که سلسله نبوت در او پایان یافته و نبی و پیامبر دیگر، بعد از او نخواهد بود و قرآن کریم نیز این وعده‌ها را تأیید کرده و از جمله قول عیسی بن مریم - علیه السلام - را اینگونه می‌فرماید: حضرت عیسی بن مریم - علیه السلام - فرمود: «ای فرزندان اسرائیل، من فرستاده خدا به سوی شما هستم، آنچه از تورات در دست دارم تصدیق کنید. و بعد از خودم به رسولی بشارت می‌دهم که اسم او احمد است.»[۹] و همان گونه که ادیان گذشته و پیامبران الهی از نبی خاتم - صلی الله علیه و آله - خبر داده و از اوصیاء او نیز بشارت داده‌اند که به نمونه آن اینگونه اشاره می‌گردد: کتاب مقدس در متن عبری و در سفر تکوین آیات: ۱۷ - ۲۰ اینگونه می‌گوید: «وعده باری تعالی خطاب به حضرت ابراهیم - علیه السلام - : «محمد - صلی الله علیه و آله - خاتم رسولان و ائمه دوازده گانه، اوصیاء او می‌باشد. او از صلب تو و از نسل اسماعیل به وجود خواهد آمد.»[۱۰] و این بشارت گذشتگان، از زبان پیامبر گرامی اسلام که زبان وحی است، تأیید گردیده و منابع دینی اعم از تمام فرق مسلمین از آن خبر داده است. و ممکن است شبهه‌ای به وجود بیاید که کتب انبیاء گذشته تحریف شده است. فلذا، بشارت‌های آنان نیز اعتبار ندارند، پاسخ این است که تحریف، یک امر مسلم و قطعی است. ولی مواردی را که قرآن و یا رسول گرامی - صلی الله علیه و آله - آن را تأیید کرده، این نیز امر قطعی دیگری است که آن گونه موارد، از تحریف مصون مانده است. و الا قرآن و یا رسول گرامی - صلی الله علیه و آله - از عمل تحریف شده هیچ گاه خبر نداده و آن را تأیید نمی‌کند. و در ثانی، اگر تمام کتب

پرسش و پاسخ مهدوی کتابخانه گفتگوی دینی

آسمانی را تحریف شده بدانیم، کلام رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - نقض می گردد. چون پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - در ابتدای رسالتش، رسالتش را استناد می کرد به بشارتهای انبیاء قبل از خودش، فلذا مواردی را که قرآن و پیامبر - صلی الله علیه و آله - خبر داده است. امر مسلم و قطعی خواهد بود.

بنابراین، اندیشه مصلح موعود و یا مهدی منتظر، یک اندیشه بشری و زائیده ذهن ملل و جوامع نمی باشد و چنین نیست که این اندیشه زائیده ذهن بوده و در اسلام نیز نفوذ کرده باشد. بلکه این اندیشه اگر در جوامع قبل از اسلام بوده بر اساس وعده الهی و حکمت حکیمانه او و بر مبنای فطرت بشری استوار بوده است. و این اندیشه فطری در زمانهای گوناگون بروز داده شده است. و علاوه بر آن، همه انبیاء گذشته و کتب آسمانی از آن خبر داده و به آن بشارت و وعده داده اند و قرآن کریم که کلام الهی و وحی منزل است، ریشه های این وعده الهی را بازگو نموده و با تأویل و تفسیر روایات عترت - علیهم السلام - تبیین گردیده است.

منابعی که در این جهت معرفی می گردد:

۱. ادیان و مهدویت، محمد بهشتی.
۲. امامت و مهدویت، آیت الله صافی گلپایگانی.
۳. مجله الفکر الاسلامی، شماره ۲۸ و ۲۹، ربیع الثانی، ۱۴۱۸ ق.
۴. اهل بیت در کتاب مقدس، احمد واسطی.
۵. بشارات عهدین، شیخ محمد صادقی و...
حضرت علی - علیه السلام - :
اراده حتمی خداوند بر این قرار گرفته است که - دیر یا زود - پایان حق، پیروزی و پایان باطل، نابودی باشد.

(نهج البلاغه، حکمت ۲۸۱)

پی نوشتها:

- [۱]. دکتر احمد امین، مهدی و مهدویت، ص ۱۳، انتشارات مکتب الاسلام، تهران.
- [۲]. آیت الله مرعشی نجفی، شهاب الدین، ملحقات احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۶۲۱، انتشارات مرعشی.
- [۳]. صادقی، محمد، نصوص خاصه مهدی موعود، از «بشارت عهدین»، ص ۲۷۰.
- [۴]. صدر، آیت الله سید محمد باقر، بحث حول المهدی، ص ۷-۸، انتشارات جامعه مدرسین.
- [۵]. علامه طباطبائی، محمد حسین، شیعه در اسلام، ص ۱۵۰، انتشارات دار الکتب الاسلامی، تهران؛ همان، تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۱۵۵، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت.
- [۶]. صافی گلپایگانی، لطف الله، امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۱۳۹، جامعه مدرسین.

[۷]. شهرستانی، عبدالرضا، مهدی موعود و دفع شبهات، ص ۶۵، موسسه اعلمی، بیروت.

[۸]. همان، ص ۷.

[۹]. صف، ۶۰.

[۱۰]. واسطی، احمد، اهل بیت در کتاب مقدس، ص ۱۰۵ - ۱۰۷.

در تفاسیر اهل سنت چه آیاتی بر امام زمان - عجل الله تعالی فرجه شریف - تفسیر شده

است؟

پاسخ:

پیروان ادیان سه گانه ی آسمانی (مسلمانان، مسیحیان، یهودیان) باور دارند آینده ی نهایی مسیر زندگی خاکی، پیروزی ایمان بر کفر، حاکمیت حق و علم و عدالت اجتماعی رسیدن وراثت زمین به صالحان، پایان خرافات و گمراهی و ستم و تمامی گونه های انحرافات است. نیز اتفاق نظر دارند شخصی که خداوند عهد و پیمان را به دست او تحقق می بخشد، از فرزندان ابراهیم بوده است، و شریعتی که بدان حکومت می کند آیین موسی - علیه السلام - نیست، بلکه دین پیامبری است که خداوند در آخر زمان، وی را مبعوث می کند....» [۱]

آیاتی از قرآن کریم درباره حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه شریف - است و روایات فراوانی نیز عهده دار تفسیر آن آیاتند و اکنون برخی از آن آیات از منظر مفسران اهل سنت به حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه شریف - اختصاص دارند تقدیمتان می کنیم.

۱. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» [۲]

«او کسی است که پیامبر خود را برای مردم فرستاد، با دینی درست و بر حق، تا او را بر همه دین ها پیروز گرداند، هر چند مشرکان را خوش نیاید.»

در تفسیر قرطبی آمده است: «پیروزی اسلام بر دیگر ادیان، هنگام قیام مهدی - عجل الله تعالی فرجه شریف - است در آن زمان، مردمان یا باید مسلمان شوند و یا جزیه دهند. و این که گفته شده است مهدی همان عیسی است نادرست است زیرا اخبار صحیح به گونه ای متواتر وارد شده که مهدی از خاندان پیامبر - صلی الله علیه و آله - است....» [۳]

و در کتاب البیان در تفسیر این آیه آمده است: «کسی که خدا او را بر همه ادیان چیره می گرداند، مهدی از فرزندان فاطمه است. [۴] و در تفسیر کشف الاسرار که از تفاسیر معتبر اهل سنت است در شرح این آیه می گوید: «رسول در این آیه محمد - صلی الله علیه و آله - است و هدی و هدایت قرآن و ایمان است و دین حق، اسلام است و خدا این دین را بر دیگر دیان برتری می دهد، چنان که دینی نماند مگر این که اسلام بر آن غالب آید. و این امر بعد از این خواهد شد و هنوز نشده است.» [۵]

۲. «بَقِيَةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» [۶] اگر با ایمان باشید «بَقِيَةُ اللَّهِ» برای شما خیر است.» در نور

الابصار آمده اس: «چون (مهدی) ظهور کند، کعبه را پایگاه خویش قرار می دهد و ۳۱۳ نفر از یارانش به او می پیوندند، آنگاه در نخستین سخن این آیه را تلاوت می کند» بقیه الله بهتر است برای شما اگر ایمان بیاورید، پس می گوید: منم بقیه الله و خلیفه خدا و حجت او بر شما.» [۷]

۳. «..... لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» [۸]؛ آنان در مسجدها جز بیمناک و ترسان داخل نخواهند شد و نصیبشان در دنیا خواری و در آخرت عذابی بزرگ است.» سیوطی می نویسد: «خواری و ذلت در دنیا زمانی فرا می رسد که مهدی به پا خیزد و قسطنطنیه را فتح کند و آنان را بکشد.» [۹] و در تفسیر طبری و تفسیر کشف الاسرار [۱۰] نیز همین مطلب که سیوطی نوشته است تصریح شده است.

۴. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» [۱۱]؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، صبر کنید و مقاومت ورزید و مرابطه کنید و از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید.» حافظ قندوزی از (امام) محمد باقر - علیه السلام - درباره این آیه روایت کرده است که فرمود: شکبایا باشید بر ادای فرائض و واجبات، و در برابر آزار دشمنان استقامت ورزید و با امامتان مهدی مرابطه نمائید. [۱۲]

۵. «.... يَسْتَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا» [۱۳]؛ از تو درباره ساعت می پرسند که زمان وقوع آن کی است حافظ قندوزی از مفضل بن عمر از (امام جعفر) صادق - علیه السلام -، روایت کرده است که فرمود: «ساعت قیام قائم است.» [۱۴]

۶. «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» [۱۵]؛ بدانید که خدا زمین را پس از مرگش احیاء می کند. حافظ قندوزی می نویسد: «خداوند آنرا توسط «قائم» زنده می سازد، پس در آن عدالت کند و زمین را توسط عدل، پس از مردنش به واسطه ظلم، زنده سازد.» [۱۶]

۷. «فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» [۱۷]؛ پس ایمان آرید به خدا و رسول و نوری که فرود آوردیم، و خداوند بدانچه کنید آگاه است.

علامه قیسی می نویسد حافظ ابو جعفر محمد بن جریر طبری گفت در حجه الوداع پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمود: ای مردم، «آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا» سپس فرمود: نور در من است، سپس در - علی است، و بعد در نسل وی باشد تا قائم مهدی. [۱۸]

۸. «حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضَعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا» [۱۹]؛ تا وقتی که ببینند آنچه را وعده داده می شوند، پس به زودی بدانند که چه کسی از حیث یار ناتوان تر و از حیث عدد کمتر است.

حافظ قندوزی از امام سجاد - علیه السلام - در تفسیر این آیه نقل می کند که «ما یوعدون» (آنچه وعده

پرسش و پاسخ مهدوی کتابخانه گفتگوی دینی

داده می شوند) در این آیه «قائم» مهدی و اصحاب و یاران اویند. و هنگامی که «قائم» ظهور کند دشمنان او ضعیف تر و عدویشان کمتر است. [۲۰]

گفتنی است که از منظر اهل سنت آیات فراوان دیگری درباره حضرت مهدی وجود دارد [۲۱] که ذکر همه آنها در این پاسخنامه نمی گنجد.

برای اطلاع بیشتر به کتاب موعود قرآن، صادق حسینی شیرازی مراجعه فرمائید.

حدیث:

پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - فرمود:

«از میان امت من مهدی قیام می کند، خداوند او را برای فریاد رسی مردمان برمی انگیزد»

«احمد بن حجر هیتمی: الصواعق المحرقة، طبع مکتبة القاهرة، ۱۳۷۵ هـ ص ۱۶۲»

پی نوشتها:

[۱]. فصلنامه تخصصی انتظار، سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۸۰، صاحب امتیاز بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ص ۱۷۱، مقاله سامی بدری.

[۲]. سورة توبه، آیه ۳۳.

[۳]. ابو عبدالله محمد بن احمد انصاری قرطبی، الجامع الاحکام القرآن، ج ۸، (تحقیق عبدالرزاق المهدی)، چاپ دارالکتاب العربی، سال ۱۴۱۸ هـ ص ۱۱۱.

[۴]. سید مؤمن بن حسن الشبلنجی: نورالابصار، چاپ دارالجلیل، ص ۳۴۳.

[۵]. رشید الدین، امام احمد میبدی، (از عالمان قرن پنجم)، کشف الاسرار، ج ۴، ص ۱۱۹ - ۱۲۰.

[۶]. سورة هود، آیه ۸۶.

[۷]. مؤمن بن حسن مؤمن الشبلنجی: نورالابصار، چاپ دارالجلیل، بیروت، ۱۴۰۹ هـ ص ۳۴۹.

[۸]. سورة بقره، آیه ۱۱۴.

[۹]. جلال الدین سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۱، چاپ دوم، دارالفکر، ص ۲۶۴.

[۱۰]. تفسیر کشف الاسرار، ج ۱، ص ۳۲۵.

[۱۱]. آل عمران، آیه ۲۰۰.

[۱۲]. صادق حسینی شیرازی، موعود قرآن، ترجمه مؤسسه الامام المهدی، سال طبع ۱۳۶۰، ص ۲۲، به

نقل از ینابیع الموده، ص ۵۰۶.

[۱۳]. سورة اعراف، آیه ۱۸۷.

[۱۴]. صادق حسینی شیرازی، موعود قرآن، ص ۴۴، به نقل از ینابیع الموده، ص ۴۲۹.

[۱۵]. حدید، آیه ۱۷.

[۱۶]. صادق حسینی شیرازی، موعودِ قرآن، ص ۱۳۹، به نقل از ینابیع الموده، ص ۵۱۴.

[۱۷]. سورة تغابن، آیه ۸.

[۱۸]. همان، (موعودِ قرآن، ص ۱۴۶)، به نقل از، ماذا فی التاريخ، ج ۳، ص ۱۴۷ - ۱۴۵.

[۱۹]. سورة جن، آیه ۲۴.

[۲۰]. موعودِ قرآن، به نقل از ینابیع الموده، ص ۵۱۵.

[۲۱]. چون آیه ۵ سورة قصص، آیه ۱۰۵ سورة انبیاء، آیه ۵۹ سورة نساء و

آیا اهل سنت به امام مهدی - علیه السلام - اعتقاد دارند، چگونه؟ و تفاوت آنها با تشیع در این جهت چیست؟

پاسخ:

بعضی از اهل تسنن به دلیل خوشبین نبودن به شیعه و احادیث شیعه گمان می کنند مهدویت و احادیث مهدی ساختگی است و می گویند احادیث مهدی در کتب صحاح اهل سنت وجود ندارد و اگر هم باشد در کتاب هایی است که از نظر اعتبار ساقط می باشد و این شیعیان هستند که احادیث مهدی را در کتب خود آورده اند.

در پاسخ گفته می شود در عین حال که خفقان عمومی دوران بنی امیه و بنی عباس و دست های مرموز و مقتدر سیاست وقت و تعصبات شدید مذهبی اجازه نمی داده که اخبار مربوط به ولایت و امامت اهل بیت - علیهم السلام - مورد مذاکره واقع شود و در کتب درج گردد لکن باز هم کتب اخبار اهل سنت از احادیث مربوط به مهدی خالی نیست. احادیث زیادی از پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - صادر شده که سنی و شیعه آنها را نقل کرده اند و هر کس اگر در آنها دقت کند، برایش روشن می شود که موضوع مهدی و قائم در زمان پیامبر اسلام امر مسلمی بوده است. به طوری که این عقیده در بین مردم شایع بود که اصل آن را مسلم دانسته و از فروعاتش بحث می کردند؛ گاهی می پرسیدند از چه نسلی به وجود خواهد آمد، گاهی از نام و کنیه اش سؤال می نمودند، گاهی می پرسیدند آیا مهدی و قائم یکی است یا نه، گاهی از علت غیبت و وظایف آن امام جويا شدند. پیغمبر هم گاه و بی گاه از آن وجود مقدس خبر می داد و می فرمود: مهدی موعود از نسل من و از فرزندان فاطمه - سلام الله علیها - و حسین - علیه السلام - به وجود خواهد آمد، گاهی نام و کنیه اش را بیان می داشت، گاهی علامات و مشخصات او را بیان می کرد، پس از وفات رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - مسئله ی مهدویت همواره بین اصحاب آن بزرگوار و تابعین مورد بحث بوده است.

در کتب صحاح اهل تسنن ابوابی به نام مهدی - علیه السلام - منعقد و احادیثی از پیغمبر اکرم - صلی الله علیه و آله - نقل شده است از باب نمونه:

۱. عبدالله از پیغمبر - صلی الله علیه و آله - روایت کرده فرمود دنیا سپری نخواهد شد تا این که مردی از اهل بیت من که نامش نام من است بر عرب حکومت می کند. [۱]

ترمذی بعد از نقل این حدیث می گوید این حدیث صحیح است و نیز می گوید در مورد مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - علی ابو سعید، ام سلمه و ابوهریره روایت از پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - نقل نموده اند:

ابو سعید از رسول خدا - صلی الله علیه و آله - روایت نموده که فرمودند زمین از ظلم و بیدادگری پر می شود پس مردی از اهل بیت من ظاهر شده هفت سال یا نه سال حکومت می نماید و زمین را از عدل و داد پر می کند. [۲]

بسیاری از علمای اهل سنت احادیث مهدی را متواتر دانسته یا تواتر آنها را از دیگران نقل کرده اند و بدان اعتراضی ننموده اند مانند ابن حجر هیتمی در الصواعق المحرقة و شبلنجی در نور الابصار ابن صباغ در الفصول المهمة محمد الصبان در اسعاف الراغیین گنج شافعی در البیان شیخ منصور علی در غایة المأمول سویی در سبائك الذهب و جمعی دیگر و همین تواتر ضعف سندی را که در بعضی از آنها موجود است جبران می کند.

به عنوان نمونه عسقلانی می نویسد خبر متواتر مفید یقین است و عمل به آن نیاز به بحث ندارد. [۳] سید احمد شیخ الاسلام و مفتی شافعی می نویسند احادیثی که در مورد مهدی وارد شده کثیر و متواتر است در بین آنها هم حدیث صحیح وجود دارد و هم ضعیف اما چون احادیث کثیرند و روات نویسندگان آنها نیز زیادند بعضی آن احادیث بعضی دیگر را تقویت می کند و بر روی هم مفید یقین می باشند. [۴]

اما در مورد تفاوت آنان با تشیع:

تنها تفاوتی که اهل سنت با شیعیان دارند این است که آنها نوعاً تولد حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را انکار می کنند و می گویند شخصیتی که پیامبر اسلام از قیام او پس از غیبت خبر داده هنوز متولد نشده و در آینده تولد خواهد یافت. [۵] اما شیعیان با تعلیل و براهین متقن معتقدند که امام مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - در سال ۲۵۵ ه. ق از نسل امام حسن عسکری - علیه السلام - متولد گردیده و دارای دو غیبت صغری و کبری می باشد. [۶]

اضافه بر دلایل تاریخی که بر تولد امام زمان وجود دارد اگر امام زمان متولد نشده و زنده نباشد نباید پیامبر اسلام می فرمود من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیه (یعنی هر کس بمیرد امام،

زمانش را نشناخته باشد به مرگ جاهلی مرده است." [۷] زیرا با نبودن امام چنین کلامی از پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - غیر معقول است.

ثالثاً: تعداد قابل توجهی از اهل تسنن از مورخان و محدثان آنها تولد حضرت را در کتب خود ذکر کرده و آن را یک واقعیت دانسته اند بعضی از پژوهشگران بیش از صد نفر از آنان را معرفی کرده اند. [۸]

اهل سنت پس از اقرار به تولد و زنده بودن حضرت مهدی در اینکه از اولاد کیست اختلاف دارند: بعضی می گویند، امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - از اولاد امام حسن مجتبی است. [۹] ابن حجر در سرّ این می گوید امام حسن مجتبی به خاطر شفقت با امت خلافت را ترک کرد و با معاویه صلح کرد خداوند هم امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را از اولاد او قرار داد و روایاتی را که می گوید مهدی از اولاد امام حسین - علیه السلام - است را واهی شمرده و می گوید دلیلی بر این وجود ندارد. [۱۰]

در پاسخ می گوئیم، این قول رد شده است زیرا ممکن است راوی یا ناسخ اشتباه کرده باشند زیرا حسن و حسین خیلی به هم نزدیک می باشند و قبلاً به دلیل نقطه نداشتن کلمات خیلی از این اشتباهات رخ می داده.

۲- نسبت امام مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - به امام حسن مجتبی - علیه السلام - مانند خود امام حسن مجتبی - علیه السلام - به پیامبر می باشد که از طرف مادر به حضرت متصل می شود زیرا مادر امام محمد باقر فاطمه دختر امام حسن مجتبی و همسر امام سجاد - علیه السلام - می باشد. بنابراین می شود گفت از فرزندان امام حسن مجتبی - علیه السلام - باشد هم از فرزندان امام حسین - علیه السلام - و هیچ منافاتی هم با هم ندارند. و تعارضی بین آنها نیست. برای تأیید این مطلب روایاتی به این مضمون هم از علمای شیعه و هم از علمای اهل تسنن نقل شده است. [۱۱]

اما مسئله صلح امام حسن مجتبی - علیه السلام - با معاویه که اساس ظلم و در جامعه اسلامی بنا نهاد و هیچ گونه ربط منطقی با وجود امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ندارد و نیز امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - عنوان پاداش و جایزه را ندارد که بر این صلح مترتب گردد. افزون بر این مطالب لازمه این سخن تأیید معاویه و دستگاه او از طرف خداوند می باشد که نتیجه آن محکومیت امام حسن مجتبی - علیه السلام - است پس نباید پاداشی به آن مترتب گردد گذشته از اینها می تواند این حدیث جعلی و ساختگی باشد که ترمذی در کتاب خود آورده است. احادیث زیادی از این نمونه در کتاب او و سایر کتاب ها وجود دارد. به دلیل عنادی که با شیعیان داشته اند.

برای مطالعه بیشتر به کتاب های ذیل مراجعه شود:

۱. داد گستر جهان، آیت الله امینی.
۲. کتاب حکومت جهانی امام مهدی، آیت الله مکارم شیرازی.
۳. نجم الثاقب در احوالات امام زمان مرحوم حاج میرزا حسین طبرسی نوری.
- رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمودند: من و دوازده تن از فرزندانم و تو ای علی بند و قفل زمین هستیم (یعنی زمین به واسطه ما است که پا بر جای ایستاده) به سبب ما خدا زمین را میخ کوبیده تا اهلش را فرو نبرد چون دوازدهمین فرزندم از دنیا برود زمین و اهلش را فرو برد و مهلت داده نشوند. [۱۲]

پی نوشتها:

- [۱]. صحیح ترمذی، ج ۹، ب ما جاء فی المهدی، ص ۷۴، ینابیع الموده، تألیف شیخ سلیمان، طبع سال ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۸۰، البیان فی اخبار صاحب الزمان، تألیف محمد بن یوسف شافعی، طبع نجف، ص ۵۷.
- [۲]. مسند احمد، ج ۳، ص ۲۸، در باب مسندات ابی سعید الخدری احادیثی راجع به مهدی ذکر شده، ینابیع الموده، ج ۲، ص ۲۲۷.
- [۳]. کتاب نزهة النظر تألیف احمد بن حجر عسقلانی، ط کراچی، ص ۱۲.
- [۴]. کتاب فتوحات الاسلامیه، ط مکه، ط اولی، ج ۲، ص ۲۰۵.
- [۵]. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قاهره، دار احیاء کتب العربیه، ۱۹۶۰، ج ۷، ص ۹۴، و ج ۱۰، ص ۹۶.
- [۶]. این مطلب را همه علمای شیعه در کتب خود آورده اند به عنوان نمونه شیخ عباس قمی، در منتهی الآمال، علمای اهل سنت نیز این موضوع را نقل کرده اند مانند شیخ سلیمان قندوزی، ینابیع الموده، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ج ۳، ب ۷۱، ص ۸۲.
- [۷]. این حدیث به عبارات گوناگون نزدیک به ۱۸ متن از علمای شیعه و سنی که همه از نظر مفهوم نزدیکند نقل شده و علمای اهل سنت آن را متواتر ذکر کرده اند و ناقلان از اهل تسنن فقط ۷۰ مورد می باشد که به عنوان نمونه بعضی نقل می شود، ۱- مسند ابو داوود، سلیمان بن داوود (طیالسی)، م ۲۰۴.
- ۲- نقض العثمانیه نیز از اسکافی ص ۱۱ و ۱۲ و به نقل از ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۲۴۲. ۳- مسند احمد بن حنبل، م ۲۴۱، ج ۲، ص ۸۳ و ۱۵۴ و ص ۱۱۱، از ابن عمر و ص ۲۹۶ از ابوهریره.
- [۸]. ابن حجر هیثمی، در الصواعق المحرقة، ط ۲، قاهره، ۱۳۵۸ ه. ق، ص ۲۰۸، شبراوی الاتحاف بحب الاشراف، ط ۲، قم، منشورات الرضی، ۱۳۶۳ ه. ش. ص ۱۷۹.
- [۹]. ترمذی، سنن.
- [۱۰]. صواعق المحرقة، همان.

[۱۱]. حافظ ابو نعیم احمد بن عبدالله مناقب المهدی.

[۱۲]. تاریخ یعقوبی، نجف منشورات، المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۴ ه. ق، ج ۲، ص ۲۰۶.

مهدویت در ادیان دیگر را توضیح دهید؟

پاسخ :

در پاسخ به این سؤال لازم است مقدمه ای را به عنوان مدخل بحث تقدیم نمایم سپس موضوع مهدویت را در ادیان دیگر را بررسی کنیم:

مقدمه: همان گونه که می دانید مهدویت از واژه هایی است که کارکرد اختصاصی آن به حوزه اسلام و مسلمانان مربوط می شود و این واژه برگرفته از روایات اسلامی در این خصوص است. [۱] لیکن در میان پیروان ادیان و مذاهب جهان با اسامی مختلف و گوناگونی مطرح است که در ضمن بحث روشن خواهد شد چرا که این اندیشه (موعود) از خصایص بشری است. [۲] و همه ادیان معروف موعود دارند. [۳] توجه و اهتمام پیروان ادیان به موضوع موعود (مهدویت) به ضعف و قوت آنان بستگی دارد. یهودیان پس از سقوط دولتشان به وسیله بختنصر و مسیحیان پس از تشکیل دولتشان به وسیله قسطنطین بیشتر منتظر موعود بوده اند و میان مسلمانان شیعیان اثنی عشری که دلالت نداشته اند از اهل سنت که دست داشته اند بیشتر منتظر بوده اند. [۴] پس از بیان اجمالی این اندیشه مصرفی مصادیق عینی مهدویت در ادیان می تواند روشنی بخش باشد. این عنوان را به پادشاهان اسرائیل و کاهنان بزرگ و بالاخره شاهان غیر اسرائیلی مثل کورش که معتقد بودند وی را خدا برگزید و مسح کرد اطلاق می کردند از آن پس عنوان مسیح حکایتگر شخصیت پر جاذبه ای بوده است که باید می آمد تا پادشاهی اسرائیل را احیاء کند خصایص او در یهودیت عبارتند از پادشاهی مسح شده، دین مداری عادل، پیامبر آخر الزمان از نسل داود. [۵] بنابر باور یهود آن گاه که مسیح بیاید در پادشاهی خدا بر زمین مستقر می شود و همه ملت ها به اورشلیم باز خواهند گشت بدین سان یهودیت انتظار قدیمی را تجربه می کند اما در این اواخر جریانات پیشرو یهودی کمتر بر اندیشه مسیح شخصی گردن می نهند و برخی محافل یهودی برپایی حکومت اشغالگر اسرائیل را به مثابه آغاز رهایی به زنان سوی مسیح می دانند و از طرفی بسیاری از اسرائیلی های سکولار اصولاً هر مشکل از امید به مسیح آینده را رد می کنند. [۶]

مهدویت در مسیحیت

اندیشه موعود در مسیحیت به سه گونه نمودار گشته است در یک پرده همان اندیشه موعود یهودی است که در آن عیسای ناصری (حضرت عیسی - علیه السلام -) نقش مسیح نجات بخش را ایفا می کند و در پرده دیگر با نوید رجعت عیسی به مثابه «داور جهان» در آخر الزمان نمایشگر سنخ دیگری از

اندیشه موعود است و در چهره سوم سخن از شخص دیگری است که خود عیسی مسیح وعده آمدنش را می دهد کسی که چونان «تسلی دهنده» و «روح راستی» می آید و بر مسیح جلالت می بخشد و بر او شهادت می دهد مسیحیان این را همان روح القدس می دانند و معتقدند که اندک زمانی پس از مسیح ظهور کرد و همو هماره بر کلیسا حکم رانده است درباره گونه اول از اندیشه منجی موعود در مسیحیت که با مصرفی عیسی به عنوان مسیح موعود یهود رخ نمود چونکه قابل تأمل است. نخست این که یهودیان که خود صاحب اصلی این اندیشه و وعده بوده اند هرگز به آسانی به پذیرش این ادعا تن ندادند و با مطرح ساختن این که مسیح موعود باید از نسل داود باشد و با تأکید بر پادشاه بودن مسیح که عیسی فاقد این شرط بود و با استناد به سرودها که امکان مسیح بودن عیسی را نفی کرده تحقق این وعده را عیسی نپذیرفتند. دوم این که مسیح یهود پسر خدا نبود ولی مسیحیت عیسای ناصری را به مثابه پسر خدا معرفی می کرد.[۷]

اما در باب دوم و گونه دیگر اندیشه موعود در مسیحیت که در جهت عیسی مسیح به عنوان داور جهان در آخر الزمان را وعده می دهد چونکه گفتنی است. اول آن که در عهد جدید یادآور شده اند که عیسی با رنج به جای بنی آدم و با مرگ خویش به انتظار موعود نجات بخش پایان داد اما دوباره بر می گردد تا داور جهان باشد نکته دوم هم این که موعود مسیحی وقتی به صورت داور جهانی رجعت می کند این اندیشه نجات بخش وی را با دیگر فرهنگ ها متفاوت ترسیم می کند و نکته سوم این که عهد جدید از سیاسی کردن مسیح موعود بر حذر است.[۸] و چهره سوم موعود مسیحی چهره ای به کلی دیگر است او آن مسیحی نیست که امت موسوی انتظارش را می کشیدند و به باور امت عیسی همو بود که آمد و هموست که باز خواهد آمد این فرد دیگری است که عیسی مسیح وعده آمدنش را می دهد. نکته ای که در این جا هست تلقی مسیحیان از فرازهای انجیل یوحنا «۱۶: ۲۷ / ۱۴: ۱۷، ۱۶: ۸» است مسیحیت هرگز به این تن در نداد که «تسلی دهنده» و «روح راستی» که کتاب مقدس وعده آمدنش را داده کسی چون پیامبری یا وصی پیامبری باشد بلکه مصداق این وعده همان روح القدس بوده است بدینسان موعود آخر الزمان مسیحی از دانسته اندیشه های موعود صرفاً اجتماعی و حتی موعود نجات بخش «معنوی - اجتماعی» به کنار می رود.[۹]

آیین زرتشت

در این آیین موضوع موعود رهاننده با مفهوم سوشینت از ریشه «سو» به معنای «سود رساننده» گره خورده است این مفهوم فی الجمله اشاره به کسانی است که به نوبت در رأس هر هزاره می آیند و پلیدی را ریشه کن و جهان را نو می کنند مهم ترین ایشان آخرینشان است[۱۰] و اندیشه منجی موعود زرتشتیگری از سرچشمه هایی چون نوید شکست منش بد از منش خوب، دروغ از راست به دست خرداد و امرداد جریان می یابد. در این جا لازم است که بگوییم در سنت متأخر زرتشتی این آموزه را

به اخرت شناسی پیوند می دهند به گونه ای که ظهور منجی به جریانات روز محشر و داوری در هم آمیخته است گویا قیامت در همان زمان و در همین زمین برپا می شود در کتاب بُندهش که از متون متأخر زرتشتیان است پس از یاد کردن اوضاع مردمان به هنگام ظهور سوشینت می گوید: «پس از آن سوشینت مردگان را بر می خیزاند...» آن گاه به تفصیل به جریان داوری می پردازد.[۱۱]

اسلام مهدویت و موعود اسلامی و به ویژه موعود شیعی دوازده امامی در میان موعود باوری ادیان از ویژگی ها و جایگاه برجسته ای برخوردار است و آن دین که هدف اصلی از بعثت انبیاء کامل کردن شرایط برای رشد و تکامل آزادانه و آگاهانه انسان ها بوده که به وسیله قرار دادن وحی الهی در دسترس مردم تحقق یافته و همچنین کمک به رشد عقلانی و تربیت روحی و معنوی افراد مستعد از همین شمار است به هر حال انبیاء در صدد تشکیل جامعه ایده آل بر اساس خدا پرستی و ارزشهای الهی و گسترش عدل و داد در سراسر زمین بوده اند و هر کدام در حد امکان قدمی برداشته اند که برای بعضی شرایط تشکیل حکومت جهانی فراهم نشده است البته خدای متعال در کتابهای آسمانیش وعده تحقق حکومت الهی را در پهنه زمین داده است.[۱۲] با توجه به این که امامت متمم نبوت و تحقق بخش حکمت خاتمیت است می توان نتیجه گرفت که این هدف به وسیله آخرین امام تحقق خواهد یافت و این همان مطالبی است که در روایات متواتری که درباره حضرت مهدی - علیه السلام - وارد شده مورد تأکید قرار گرفته است.[۱۳] خلاصه سخن این که مهدویت به لحاظ ماهیت و کارکرد گونه های مختلفی دارد که برخی به لحاظ ماهیت موعود شخصی است مثل مسیح برای مسیحیان و برخی به لحاظ کارکرد انحصاری قوم مدار است مثل موعود یهودیت و صهیونیسم و برخی به لحاظ آرمان موعود مقطعی است زرتشت و بالاخره برخی به لحاظ کارکرد، فراگیر، و آرمان رو به آینده است مثل موعود اسلامی که موعودی جهان شمول نیز هست.[۱۴]

برای مطالعه بیشتر به کتب ذیل مراجعه گردد:

۱. سایت موعود.
 ۲. شبکه امام مهدی.
 ۳. مجله هفت آسمان، شماره هفتم، سال دوم
- خدای متعال می فرماید: «ما می خواستیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم».[۱۵]

پی نوشتها:

- [۱]. ر. ک: آموز عقاید آیت الله مصباح، ص ۳۳۲، چاپ سوم ۷۸، سازمان تبلیغات اسلامی.
- [۲]. علی موحیدیان عطاء، هفت آسمان فصلنامه تخصصی ادیان و مذاهب ش ۱۲ و ۱۳ سال سوم و چهارم زمستان ۸۰ و بهار ۸۱

پرسش و پاسخ مهدوی کتابخانه گفتگوی دینی

- [۳]. حسین توفیقی، هفت آسمان، فصلنامه تخصصی ادیان و مذاهب، ش ۲۲، سال ششم، تابستان ۸۳.
- [۴]. همان، ص ۲-۱۰۲.
- [۵]. هفت آسمان، ص ۱۱۰ به نقل از معجم الادیان المسيحي، جان، کوربون.
- [۶]. همان، ص ۱۱۱.
- [۷]. انجیل یوحنا ۲۸: ۵۱/۱۳: ۳/۸ و همچنین هفت آسمان ص ۱۱۲، ش ۱۲ و سیزدهم مقاله علی موحدیان عطار.
- [۸]. هفت آسمان، ش ۱۲، ۱۳، ص ۱۱۳.
- [۹]. همان، ص ۱۱۵.
- [۱۰]. ر. ک: هفت آسمان، ش ۱۲ و ۱۳، ص ۱۱۹-۱۲۰.
- [۱۱]. همان، ص ۱۲۱ به نقل از سوشیانت با سیر اندیشه ایرانیان درباره موعود آخرالزمان، ص ۱۰۹، علی اصغر مصطفوی.
- [۱۲]. سورة مبارکه انبیا، ۱۰۵ در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد.
- [۱۳]. ر. ک: آموزش عقاید، آیت الله مصباح یزدی، ص ۳۳۰، چاپ سوم، تابستان ۷۸، ناشر شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
- [۱۴]. هفت آسمان، ش ۱۲ و ۱۳، ص ۱۰۸-۱۰۹.
- [۱۵]. سورة مبارکه قصاص، ۵.



مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی